

انسان در اسلام

رشته مهندسی فناوری اطلاعات

حجت الاسلام حاج آقا طاهر حبیبی

محمد عابدی

مقدمه ای از گردآورنده

جزوه ای را که پیش رو دارید به عنوان متن درسی و بر اساس سرفصل مصوب این درس به قلم جناب آقای غلامحسین گرامی نگاشته شده است.

ضمن تشکر و قدردانی از استاد گرانقدر

حجت الاسلام حاج آقا طاهر حبیبی

جناب آقایان سید مهدی سید حجازی، حسن آقاجانی، میثم امیری و محمد سمیعی که به ثمر رساندن این جزوه نقش داشته و مرا یاری نموده اند تشکر و قدردانی می نمایم. از دانشجویان ارجمند خواهانم که هر گونه کاستی و نقص در جزوه مشاهده نموده اند به بزرگواری خود ما رو مورد عفو خود قرار دهند.

((آروزی موفقیت و پیروزی برای همه دانشجویان گرامی))

با تشکر فراوان

محمد عابدی

دانشجوی ترم اول کارشناسی رشته فناوری اطلاعات

اهمیت انسان شناسی در اسلام چیست؟

۱. انسان همواره در کانون اندیشه بشری یکی از مهمترین دغدغه ها بوده است
۲. توجه به انسان تنها به این سبب نیست که او یکی از موجودات این عالم است و باید مورد شناسایی قرار گیرد بلکه اهمیت انسان شناسی از این جهت است که در واقع شناخت ماهیت و حقیقت خویش است.
۳. حقیقتی که جا در لابلای علوم دیگر کم رنگ میشود و انسان با وجود همه پیشرفتهای علمی از آن غافل میگردد.
۴. در آموزه های تمامی ادیان الهی (۱۲۴۰۰۰ ادیان) شناخت انسان پس از خداشناسی بیشترین اهمیت را دارد.
۵. یکی از اهداف اساسی انبیاء توجه دادن انسان به خویشتن بوده است.
۶. بسیاری از مشکلات فراروی انسان معاصر بدلیل بی توجهی به حقیقت خود و توجه داشتن بیش از حد به بعد غیر معنوی خویش است.
۷. علت اصلی آنرا نمیتوان نادیده گرفتن این آموزه های دینی دانست در اهمیت این موضوع که حضرت علی (ع) در روایات چند ، خودشناسی و انسان شناسی را از بالاترین شناخت معرفی فرموده است.
۸. تأکیدات فراوان آیات و روایاتی که در این زمینه وارد شده است موجب تعجب انسان میشود ولی اگر اندکی دقت کنیم تأثیر شناخت واقعی انسان را بر شخصیت و زندگی خود بررسی کنیم به اهمیت مسئله پی خواهیم برد.

انسان شناسی و جهان بینی را توضیح دهید؟

۱. جهان بینی همان تفسیر کلی جهان هستی یا مجموعه ای از عقاید کلی و هماهنگ در باره نظام هستی است
۲. به سوالهای مختلفی در باره مبداء آفرینش حقیقت جهان هستی ، انسان حقیقت مرگ و جهان پس از آن و... پاسخ میدهد.
۳. مجموعه این پاسخ ها دیدگاه فرد و یا مکتب را نسبت به جهان هستی نشان میدهد.
۴. گرچه ظاهر جهان بینی از پاسخ به سوال های متفاوتی تشکیل میشود ، باید دانست که معمولاً این پاسخ کاملاً از یکدیگر جدا نیستند. بلکه بیش از اجزای جهان بینی ها نوعی بهم پیوستگی دیه میشود. مثلاً انسان نمی تواند خالق و آفریننده حکیم برای جهان معتقد باشد اما به جهان آخرت اعتقادی نداشته باشد. به همین جهت میتوان ادعا کرد انسان شناسی ارتباط محکمی با خداشناسی ، جهاد شناسی و معادشناسی دارد.
۵. روایت معروف از وجود مقدس امیرالمومنین در این زمینه اینست که میفرماید " کسی که خود را بشناسد خدای خود را خواهد شناخت. این حدیث از رابطه انسان شناسی و خداشناسی حکایت دارد.
۶. قرآن شریف نیز انسان را یکی از آیات مهم الهی معرفی میکند (آیه فصلت)

یافتن هویت واقعی انسان را توضیح دهید؟

۱. ساخت انسان با شناخت جماد و گیاه و حیوان و مانند اینها تفاوت بسیار دارد. یکی از تفاوتهای اساسی انسان شناسی با سایر شناخت این است که هر کدام از ما فردی از نوع کلی انسان هستیم. شناخت هر ویژگی انسان موجب شناخت هر چه بیشتر خودمان میشود.
۲. مثلاً اگر شخصی در بررسی های خود به این نتیجه رسید که انسان دارای سرشتی پاک و گوهری متعالی است نتیجه میگیریم که من دارای سرشتی پاک هستم.

چگونگی شکل گیری شخصیت و هویت انسان را بنویسد:

- شکل گیری و شخصیت هر انسان بسیار مهم و حیاتی است ، انسان دائماً با هویت خود زندگی کرده بر اساس آن انتخاب میکند:
۱. تصمیم می گیرد
 ۲. عمل می کند

هویتی که در همه حالات همراه انسان است، در حال مطالعه ، در حال تفریح ، در حال ورزش، در حال خوردن. در حال استراحت کردن در خواب و هویت انسان تا حدودی تابع تصویری است که از انسان دارند. اگر ما انسان را این گونه تعریف کنیم که حیوان است ، تابع غرایز درونی بدون اراده و اختیار و فاقد هر گونه مسئولیت و تکلیف نمیتوانیم هویتی جز این داشته باشیم. اما اگر انسان را اینگونه تعریف کنیم ، انسان موجودی متعالی و فطرت پاک و انتخاب گر و شیوه زندگی فرق میکند.

رویکردهای مختلف انسان شناسی را بطور دقیق بیان کنید:

انسان در علوم مختلف به گونه ای مستقیم یا غیر مستقیم مورد بحث قرار میگیرد.

- عرفان
- فلسفه
- روانشناسی
- پزشکی
- جامعه شناسی
- سیاست
- اقتصاد

و مانند اینها علمی هستند که هر کدام در باره یکی از ابعاد انسان بحث میکنند با توجه به تقسیم علم به علم حضوری و علم حصولی و تقسیم علم حصولی به حسی ، عقلی و دینی و تاریخی رویکرد متفاوت در انسان شناسی وجود دارد.

عرفا انسان را چگونه معرفی کرده اند؟ بطور دقیق و عمیق در مورد بشر توضیح میدهند؟

۱. عرفا انسان را عصاره عالم هستی میدانند و به او عالم صغیر میگویند.
۲. در مقابل کل عالم هستی را انسان کبیر می خوانند و به عبارت دیگر انسان را عالم اکبر و جهان هستی را عالم کبیر می خوانند.

نظر محمدالدین عربی در رابطه با انسان چیست؟ انسان دارای چند چهره و نسخه است؟

انسان دارای دو نسخه می باشد:

۱. نسخه ظاهری
۲. نسخه باطنی

نسخه ظاهری انسان از نظر محمدالدین عربی این است که کل عالم با همه مراتبش است و نسخه باطن انساها حضرت خداوندی است.

انسان شناسی تجربی و تاریخی را توضیح دهید؟

گسترش علمی مانند و روانشناسی و جامعه شناسی پدید آمدن شاخه های جدیدی مانند مردم شناسی و انسان شناسی فرهنگی و آگاهی های فراوانی در زمینه شناخت انسان را در اختیار ما قرار میدهد. ناگفته نماند که روش بحث در این علوم یکسان نیست و در برخی نیز مانند روانشناسی از روشهای آزمایشگاهی در پاره ای دیگر از این روشهای باستان شناسی و تاریخ استفاده میشود. از این که همه آنها متکی بر شاهد و تجربه است.

انسان شناسی دینی را بررسی نموده و توضیح دهید؟

۱. از آنجائیکه دین برای خوشبختی و سعادت بشر نازل شده است در زمینه انسان شناسی سخنان فراوانی دارد.
 ۲. مهمترین موضوع ادیانی پس از خدا انسان است. بنابراین در باره مبدا چگونگی و هدف آفرینش انسان کمال و سعادت و راه دستیابی به آن همچنین سایر موضوعات مربوط به او مطالب مهمی ارائه کرده است.
 ۳. انسان شناسی دینی و ثاقت و اعتبار آن است
 ۴. داده های دینی از راه وحی به ما میرسد که کاملاً خطا ناپذیر است.
- از این رو با اطمینان میتوان به آنها اعتماد کرد و از سوئی دیگر این آموزه ها با گستردگی تمام به همه ابعاد وجود نیازهای انسان نظر دارد. در انسان شناسی دینی انسان منحصر به همین بدن مادی نیست بلکه جنبه تعالی تری به نام روح دارد که حقیقت وجودی اش است. در شناخت انسان از استعداد و توانایی و نیازهای او هم به جنبه مادی و غریزی وی توجه شده است. و هم به جنبه معنوی و تعالی او.

تاریخچه بحث های مکتوب و مربوط به روح یا نفس انسان به چه دورانی بر میگردد؟

تاریخچه بحث های مکتوب به روح و نفس انسان را به دوران یونان باستانی و فیلسوفانی مانند افلاطون باز میگردداند ولی در رساله فایدون به نقل از سقراط چنین میگوید:

روح آدمیان پس از جدایی از تن به دنبال فرشتگان به جایی که برای آنان مقدر است رهسپار می شوند و در آنجا خوبان از بدان جدا می گردند.

در فلسفه اسلامی در مورد انسان چگونه بحث شده است ؟

در فلسفه ی اسلامی نیز به مباحث روح شناسی اهتمام ویژه ای شده است تا آنجا که تقریباً تمامی اندیشمندان بزرگ فلسفه کلام و عرفان اسلامی در این باره به بررسی و نظریه پردازی پرداخته اند. ابن سینا فن ششم از کتاب ارزشمند شفا را به روح شناسی اختصاص داده است ، از سویی پرچمدار حکمت متعالیه ملاصدرا را نیز سفر چهارم از اسفار اربعه به تفسیر به مباحث نفس پرداخته است. به مباحث مربوط به معاد را نیز پس از آن آورده است. در دوران معاصر بحث های مربوط به روح به قدری گسترده شده که موجب پیدایش رشته جدید علمی بنام فلسفه ی رفع گردیده است. در این جا برآنیم تا این مباحث با رویکردهای مختلف و با تأکید بر روش دینی مطرح شود.

دلایل دویعدی بودن انسان را بطور دقیق توضیح دهید؟

دو گانه بودن انسان در مباحث انسان شناسی نظریه ای است که انسان را دارای دو بعد مادی و غیر مادی میداند. براساس این نظریه وجود انسان به جسم خاکی و مادی منحصر نمی شود بلکه دارای بعدی غیر مادی نیز است که آن را روح و نفس انسان میگویند. روح انسان بر خلاف جسم او دارای اوصاف مادی مانند رنگ ، وزن ، طول ، عرض ، عمق..... نیست و از

سویی تقسیم پذیر نمی باشد. برای اثبات دوی بعدی بودن انسان دلایل مختلفی در طول تاریخ اندیشه ی بشری ارائه شده است. این بحث را از دیدگاه دینی عقلی و تجربی پی میگیریم.

آیاتی که در باره مرگ و چگونگی گرفتن جان انسانها آمده است را توضیح داده و مقصود آنرا بنویسید؟

آیاتی که در این زمینه است در سوره مبارکه زمر سوره ۳۹ آیه ۴۲ و سوره انعام سوره ۶ آیه ۹۳. خداوند ارواح انسانها را در هنگام مرگشان به تمامی باز می ستاند ، مقصود از انفس در این آیه همان ارواح است. البته نه به دلیل واژه نفس زیرا نفس به معانی مختلفی در قرآن می آید. معنای آیه این است که انسان غیر از جسم چیز دیگری دارد که گرفته میشود. زیرا بدن در دنیا می ماند و متلاشی می گردد. پس آن چیزی که گرفته می شود بدن مادی است.

نظر علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان در رابطه با این آیه را بنویسید؟

نظر شریف علامه طباطبایی در باره این آیه می فرماید از آیه استفاده می شود که نفس موجود و مغایر با بدن است به گونه ای که از آن جدا می شود و مستقلاً به حیات خود ادامه می دهد. آیه دیگری که می توان در این بحث بدان استناد کرد ، در مورد لحظه مرگ ظالمان است که فرشتگان مرگ خطاب به آنها می گویند " اخرجوا نفسکم " جان هایتان را بیرون دهید. چنان که پیداست در این آیه نیز به خروج روح از بدن بهنگام مرگ تصریح شده است.

قرار گرفتن در آستانه مرگ را توضیح دهید؟

مردی در حال مردن است و زمانی که وی به بالاترین نقطه ناراحتی جسمی نزدیک میگردد، می شنود که پزشک او را مرده اعلام میکند ، او شروع به شنیدن سرو صدای آزار دهنده میکند و صدایی همانند صدای زنگ یا همهمه بلند و در همان زمان احساس میکند به سرعت داخل یک تونل تاریک طولانی در حال حرکت است. بعد از این ناگهان خود را بیرون بدن مادی خویش، اما همچنان بی واسطه در محیط مادی می یابد و بدنش را از فاصله ای مشاهده میکند، چنان که گویی یک تماشاگر است. او از این منتظر غیر عادی تلاش برای احیای مجدد را نظاره می کند.

قرار گرفتن انسان در آستانه مرگ و جدا شدن روح از بدن مادی را توضیح دهید؟

قرار گرفتن در آستانه مرگ و جدا شدن روح از بدن مادی و بازگشت دوباره به این دنیا پدیده جدیدی نیست و در طول تاریخ به کرات دیده شده است. همه تجربه کنندگان مرگ با وجود تنوع زمان، مکان، زبان، جنس و جز اینها تقریباً امور مشابهی را گزارش کرده اند که به ترتیب از این قرارند:

۱. شنیدن صدای بلند
۲. کشانده شدن به دالانی تاریک
۳. دیدن بدن خود و و محیط اطراف از بالا
۴. ورود به عالم نور و زیبا
۵. دیدار با نزدیکان و دوستان که مرده اند
۶. مواجه با موجودی نورانی با جذابیت فوق العاده معنوی
۷. نزدیک شدن به حدی که ظاهراً مرز بین این دنیا و حیات دیگر است
۸. بازگشت به بدن خاکی و جان گرفتن دوباره

نظر شیخ اشراق حکم در رابطه با جدا شدن روح از بدن را توضیح دهید؟

شیخ اشراق میگوید ما حکیم را حکیم نمی دانیم ، مگر اینکه قدرت داشته باشد روح خودش را از بدن خلع کند.

نظر میرداماد در باره خارج شدن روح از بدن را توضیح دهید؟

میرداماد یک قدم فراتر نهاده میگوید باید خارج روح از بدن برای حکیم ملکه شده باشد کسی بتواند به راحتی همه را انجام دهد.

نظر آیت ا... سبحانی در باره خارج شدن روح از بدن را توضیح دهید؟

آیت الله سبحانی می فرماید از مرحوم حاج میرزا جواد آقا تهرانی خارج شدن روح از بدن را سوال کردم و ایشان تاکید کردند که استاد خودم آقای طباطبائی پرسیدم ایشان فرمودند خارج شدن روح از بدن کار مهمی نبوده است.

حقیقت روح را توضیح دهید؟

به جهت پیچیدگی و ابهامی که در مسئله روح وجود دارد، به دست آوردن تعریفی کامل از روح بسیار دشوار و شاید ناممکن است. یکی از دلایل این امر انس ما به عالم مادی و موجودات محسوس است. بیشترین توجه ما به بیرون از خود است ، ممکن است مدتها بگذرد اما لحظه ای در باره خودمان نیندیشیم. روح و نفس که از جهت واژگانی به یک معنایند به آن موجود مجردی اشاره دارند که منشا و مبدا حیات است شاید بهتر باشد برای شناخت روح به آثار آن توجه کنیم:

روح مرکز:

۱. ادراکات
۲. عواطف
۳. تمایلات آدمی
۴. تفکر
۵. اراده
۶. تصمیم گیری
۷. انتخاب

و همگی افعال روح انسان است

نظر فلاسفه را در رابطه با روح بنویسید؟

۱. از نظر فلاسفه یکی از ویژگیهای اصلی روح را مجرد بودن آن میدانند
 ۲. فلاسفه روح را دارای صفات غیر مادی می دانند یعنی نه دارای رنگ است نه دارای ابعاد.
 ۳. فلاسفه معتقدند روح قابل رویت حسی نیست
 ۴. فلاسفه معتقدند روح انسان بسیط است و اجزایی ندارد
 ۵. فلاسفه معتقدند روح انسان تقسیم پذیر نیست ، مثلاً اگر دست کسی از بدنش جدا شد نمی توان گفت قسمتی از روح آن جدا شده است ، بلکه وحدت شخص فرد به همان صورت باقی است.
- بنابراین روح موجودی مادی نیست که بتوان با ابزار مادی آنرا کاوید.
- مادی گرایان چه بسیار کوشیده اند که پدیده های روحی (تفکر ، ادراک، میل و اراده و...) را کاملاً مادی تفسیر کنند.

منظور از روح در سوره ۱۷ (اسرار) آیه ۸۵ چیست و توضیح دهید؟

خداوند به پیامبر عالیقدرش می‌فرماید: ای رسول من اگر از شما در باره روح سوال شد، بگو روح از [سنخ] فرمان پروردگار من است و به شما از دانش جز اندکی داده نشده است.

حال پرسیدنی است مراد از روح در آیه چیست؟

۱. آیا روح انسانی است
۲. آیا روح الامین است (جبرئیل)
۳. آیا قرآن است
۴. آیا همه اینها باهم مراد است؟

مقصود از من امر ربی چیست و سرانجام اینکه آیا در صدد پاسخگویی به سوال است یا خیر؟

تفسیرها مطالب زیادی در مورد روح نگفته اند، چنانکه در پایان نیز می‌فرماید به شما هم بهره اندکی از علم داده شده است، اینک بهره کمی از علم به ما داده شده، به این دلیل نیست که ما توانایی بیشتری داشته ایم، اما خداوند نداده است، بلکه بدین معناست که استعداد علمی انسان و ظرفیت یادگیری او به مانند سایر توانایی هایش محدود است.

از دیدگاه دینی روح را توضیح دهید؟

از دیدگاه دینی همین قدر میدانیم که روح گوهر گرانبهائی است که ترکیب یا اتحاد آن با جسم، بستر مناسبی برای تکامل انسان فراهم می‌سازد.

استعمال واژه روح در قرآن را نام برده و معانی مختلف روح را بنویسید؟

واژه روح در قرآن ۲۴ مرتبه تکرار شده است، اما اینگونه نیست که در هر جا بکار رفته به همین معنای روح انسانی باشد. روح در قرآن به معنای گوناگونی بکار رفته است از جمله فرشته وحی جبرئیل، دین و فرشته مخصوص، به دلیل همین کاربردهای مختلف است که آیه به معنای مختلفی تفسیر شده است.

بنابر این توجه عمیق فلاسفه به متکلمان اسلامی به مسئله نفس و روح ریشه قرآنی دارد و اینکه برخی گمان برده اند مباحث مربوط به روح از میان روم باستان به فلسفه اسلامی انتقال یافته سخنی گزاف است. به ویژه اینکه مبانی مباحث نفس در فلسفه اسلامی با فلسفه یونان باستان تفاوت اساسی دارد.

خداوند در چند مورد اینکه روح را به خود نسبت داده، توضیح دهید؟

از نکات در خور توجه در باره روح اینکه خداوند در سه مورد روح انسانی را به خود نسبت داده است. مثل آیه ۲۹ سوره حجر. از وقتی آن را آفریدم و از روح خود در آن دمیدم پس به فرشتگان فرمان سجده دادم. گاهی بر اساس برداشت کاملاً سطحی گمان می‌شود که روح از خداوند، جدا شده و به کالبد انسان دمیده شده است. حال آنکه خداوند بسیط است و جز ندارد تا چیزی از او جدا شود.

خداوند می‌فرماید از روح خود به انسان دمیدم به چه معنایی است؟

همان گونه بسیاری از مفسرین گفته اند، اضافه روح به خداوند، اضافه تشریفی است.

فلسفه آفرینش جهان هستی چیست؟ توضیح دهید

یکی از اساسی ترین پرسش هایی که گاه ذهن هر فرد را به خود مشغول می سازد این است ، که چرا خداوند ما را آفریده است. شاید اگر راهنمایی های پیامبران نبود ، عقل انسان هیچگاه به تنهایی از عهده پاسخگوئی به آن بر نمی آمد، مهمترین دشواری چنین بررسی این است که موضوع آن فعل الهی است و درک افعال الهی نیز برای انسان که همه چیز را در قیاس با خود تجزیه و تحلیل می کند بسیار دشوار است. اهمیت این مساله تا بدانجاست که عده ای از متفکران و بسیاری از انسانها را به بدبینی و پوچ گرایی کشانده است ، با توجه به فلسفه آفرینش در واقع روشن می کند که :

۱. چرا انسان به این دنیا پا نهاده است.

۲. انسان در زندگی باید به دنبال چه باشد.

۳. چرا انسان باید سختی ها را تحمل کند.

۴. چرا انسان در پایان باید بمیرد.

در رابطه با مسئله فوق نظر فلاسفه ، عرفا، شعرا و اندیشمندان چیست؟ توضیح دهید؟

فلاسفه، عرفا و شعرا و دانشمندان در پاسخ به مسئله فوق دو دسته اند. در طول تاریخ کوشیده اند تا به این پرسش اساسی بشر پاسخ گویند.

الف) در این میان بدبینانی مانند نیما ، مائی ، ابوالعلی معلی ، خیام و.... و نیز پوچ گرایانی مانند صادق هدایت پاسخ شایسته برای این سوال نیافته اند.

ب) اما دسته دوم بیشتر ادنا و فلاسفه مسلمان در پرتو وحی الهی این مساله را به نیکی بررسی و نتایج معقولی نیز بدست آورده اند. در این بحث سعی می شود ، بحثهای دقیق و پیچیده عقلی با زبانی ساده و همراه با آیات و روایات مطرح شود.

درمورد هدف خداوند از آفرینش جهان هستی چند نظریه وجود دارد؟ بنویسید.

در مورد هدف خداوند از آفرینش جهان هستی دو نظریه و دو دیدگاه وجود دارد:

الف - خداوند در افعالش هدف ندارد ، زیرا هدفمندی از اوصاف فاعل نیازمند است.

ب - دسته دوم گفته اند خداوند اهدافی دارد چون سود رساندن به مخلوقات ، عبادت ، آفرینش و مانند اینها را بر شمرده اند. برای روشن شدن این بحث ابتدا افعال انسانی باید بررسی شود و جایگاه هدف در افعال ارادی آشکار گردد، سپس مساله هدف در افعال الهی مشخص شود.

تحلیل افعال ارادی انسان را توضیح دهید؟

افعال انسان به دو دسته ارادی و غیر ارادی تقسیم میشود. افعال ارادی ، مانند خوردن ، آشامیدن ، مطالعه کردن ، نوشتن و مانند اینها همگی از روی اراده است. از آنجا که هر گونه تصمیم و اراده ای مبنی بر در نظر گرفتن ویژه می باشد. بنابر این همه افعال ارادی انسان هدفمند است.

در انجام افعال ارادی انسان چند مرحله وجود دارد؟ بیان کنید.

در واقع انسان قبل از انجام فعل ارادی مراحل را پشت سر می نهد و سپس اراده میکند. و بی تردید تحقیق اراده نیز بدون طی این مراحل ناممکن است. مراحل یاد شده از این قرار است :

۱. تصور فعل

۲. تصور نتیجه آن فعل
۳. مقایسه نتیجه فعل با هدف مورد نظر
۴. حکم به مطلوب بودن فعل و اینکه ما را به هدف می رساند یا نزدیک میکند
۵. شوق به فایده فعل
۶. در پایان شوق به خود فعل

معنای لغوی واژه هدف را بنویسید؟

۱. هدف در لغت
 - a. به معنای مقصود
 - b. معنای غایت
 - c. نشانه تیر و مانند اینهاست
۲. در بحثهای عقلی و فلسفی اغلب به جای هدف از واژه از علت غایی استفاده میشود.
۳. توجه به این نکته ضروری است که اگر چه انسان در افعال ارادی خود به ظاهر اهداف متعددی دارد. مانند:
 - a. رفع تشنگی
 - b. رفع گرسنگی
 - c. رسیدن به شغل مناسب
 - d. رسیدن به مسکن مناسب
 - e. رسیدن به رفاه
 - f. رسیدن به سعادت ابوی و رضای الهی دارد
۴. در واقع همه اهداف انسان به رفع کاستی ها و بدست آوردن کمال مفقود می انجامد.
۵. انسان همیشه کمال مطلوب در نظر می گیرد که خود فاقد آن است.
۶. مطلوبیت کمال و شوق به آن موجب شوق به نتیجه فعل و در نتیجه شوق به خود فعل می گردد.
۷. در واقع مطلوب انسان در اراده اش همان هدف اوست.
۸. از آنچه گفته شد به این نتیجه میرسیم که دست کم در مورد افعال هدفمند انسانی هدف ملازم نیازمندی است. زیرا هدف کمال مفقودی است که انسان به دلیل نیازی که به آن دارد نسبت به آن شوق میابد.
۹. آیا میتوان گفت هدفمندی همواره ملازم با نیاز است؟
۱۰. نکته مهم اینکه سوال از هدف همیشه یکی نیست مثلاً وقتی شخصی با دیدن یک هواپیمای مسافربری می پرسد هدف شرکت هواپیماسازی از ساختن این هواپیما چیست؟ با کمی دقت درخواهیم یافت که این سوال دو معنا دارد اول اینکه فایده هواپیما چیست و ما چه استفاده ای می توانیم از آن ببریم. که در پاسخ باید کارکرد هواپیما را توضیح دهیم. معنای دوم سؤال از هدف بدست و انگیزه اصلی آن یعنی آن چیزی که فاعل را به سوی فعل سوق داده است باز می گردد.

هدف خداوند از آفرینش انسان و کل هستی چیست توضیح دهید؟

۱. آنچه گفته شد در واقع مقدمه ای بود برای پرداختن به این بحث که هدف خداوند از آفرینش انسان و جهان چیست؟ آیا اساساً افعال الهی هدفمند است؟ یا خیر؟
- پاسخ به این پرسش چه مثبت باشد چه منفی ما را از هر سو با مشکل مواجه میکند

۲. اگر بگوئیم خداوند هدف دارد با توجه به سخن پیشینیان که به نظر میرسد نوعی ملازم بین هدفمندی و نیاز وجود دارد، خداوند متعال نیازمند خواهد شد که با توجه به کمال مطلق بودنش و اینکه هیچگونه نیازی در او راه ندارد نمیتوان گفت که خداوند هدف دارد.
۳. اگر بگوئیم خداوند در افعال خود هدف ندارد، آنگاه او را به لغو و عبث و بیهودگی در افعال متهم کرده ایم که این نیز با صف حکمت خداوند در تعارض خواهد بود، به ویژه آنکه آیات بسیاری نیز خداوند و افعال او را منزّه از بیهودگی می‌داند.
۴. بنابراین پاسخ ما به آفرینش باید به گونه ای باشد که اولاً مستلزم هیچگونه نقصی در خداوند نباشد و ثانیاً موجب بیهودگی در جهان آفرینش نگردد.
۵. برای بررسی دقیق این مسئله ابتدا هدفمندی افعال الهی را از نگاه عقل می‌کاویم و سپس به پاسخهای قرآنی و روایاتی در زمینه فلسفه آفرینش می‌پردازیم.

تحلیل عقلی فلسفه آفرینش را شرح دهید؟

۱. همانگونه که قبلاً اشاره شد پرسش از فلسفه وجودی چیزی همیشه به دوسؤال تجزیه میشود، که ممکن است پرسشگر یکی از این دو یا هر دو قصد کرده باشد. در هر صورت این دو پرسش باید جداگانه بررسی شود.
۲. هنگامی که می‌پرسیم چرا خداوند عالم هستی را آفریده است ابتدا باید آشکار شود که منظور دقیق از این سؤال چیست. (فلسفه ساختن هواپیما) مانند مثال قبلی.
- وقتی شخصی می‌پرسد چرا خداوند عالم هستی را آفریده است، مقصود این است که اساساً این عالم به چه کاری می‌آید (چه بهره ای می‌تواند داشته باشد).

آیا این عالم، مجموعه‌ای از اجزای آشفته است که هر کدام مستقل از دیگری می‌باشند، یا اینکه مجموعه در کمال نظم و هماهنگی است تا هدف خاصی محقق گردد؟

۳. پاسخ مثبت به این سؤال بدین معناست که اجزای این مجموعه به شکل تصادفی و ناسنجیده کنار هم قرار نگرفته اند، بلکه به صورت هماهنگ و منظم هدف خاصی را دنبال می‌کنند، که آن فراهم ساختن بستری مناسب است، به مراتبی از کمال برحسب نشان وجودی نائل گردد.
۴. روشن است که هدف به این معنا فعل (فایده داشتن فعل) هیچ ملازمه ای با نیازمندی فاعل ندارد، مقصود برخی از فلاسفه و متکلمان که گفته اند خداوند هدف دارد، اما هدف او به مخلوقات و مصالح آنها باز می‌گردد نه به خودش.

هدف آفرینش از دیدگاه قرآن، روایات را توضیح دهید؟

هدف آفرینش را از جهت عقلی یکبار بررسی کردیم، حال باید پاسخ آیات و روایات را نیز در این باره بدانیم، آیا دین نیز مانند برخی از اندیشمندان انسان را از درک فلسفه آفرینش عاجز می‌داند در نتیجه انسان را به سکوت فرا میخواند، با یک بررسی ابتدائی معلوم می‌شود که دین اسلام به این مسئله اهمیت به سزایی داده و در آیات و روایات زیادی به این پرسش پاسخ گفته، آنچه در آیات و روایات آمده متعدد است، از آن جمله نگاه کلی ممکن است پراکنده بوده و در نگاه کلی آیات و روایات مربوط به فلسفه آفرینش به دو دسته تقسیم میشود.

۱. آیات و روایاتی که به اصل هدفمندی آفرینش اشاره دارد مبنی بر اینکه خلقت آسمانها و زمین و انسان لغو، عبث و بیهوده نیست، آیاتی چون و ما خلقت السماء و الارض و..... سوره ۲۱ انبیاء، آیه ۱۶ و همچنین آل عمران آیه ۱۹۱ - سوره انبیاء آیه ۱۶ و ۱۷ - سوره ۱۵ حجر - آیه ۸۵ - سوره روم آیه ۸ - سوره ۲۶ نحل آیه ۳ - سوره عنکبوت آیه ۲۴.

- در روایات نیز به اصل مهم اشاره شده است که حضرت علی (ع) می فرماید: ای مردم! از خدا بترسید! که هیچ کس بیهوده آفریده نشده که به بازی پردازد، و او را به حال خود واگذار نکرده اند تا خود را سرگرم کارهای بی ارزش نمایند.
۲. آیات و روایاتی که اهداف فلسفه آفرینش پرداخته اند این اهداف عبارتند از :
- a. عبارتست از خداوند می فرماید : ما انس و جن را نیافریدیم ، جز برای آنکه مرا بپرستند. بر اساس آیات و روایات متعدد هدف آفرینش انسان است.
 - b. دومین هدف آفرینش آزمون الهی است ، در برخی دیگر از آیات و روایات نیز این هدف ، ابتلا و آزمایش انسان معرفی شده است. و اوست کسی که آسمانها و زمین را در شش هنگام آفرید و عرش او بر آب بود تا شما را بیازماید که کدام یک نیکوکارترید. آزمون الهی بشری توجه انسان را به خود و حرکت به سوی خدا است در کره داغ سختی ها ، اضطراب و دلواپسی ها انسان به خدا توجه پیدا می کند و با تمام وجود او را می خواند. و گر نه به تعبیر علامه طباطبایی روشن است که امتحان هیچ گاه غرض اصلی نیست.
- نتیجه اینکه خداوند متعال و معصومین (ع) در تبیین هدف آفرینش گاه هدف نهایی و اصلی را بیان فرموده اند که همان قرب الهی است. " و ان الی ربک المنتهی " سوره انعام آیه ۱۶۲
- یعنی نهایت امتحان غرب به سوی خداست و گاهی نیز هدفهای متوسط یا واسطه ای مانند عبادت و آزمایش را معرفی کرده اند، بنابراین ارائه تعریف های مختلف از این روست که هم مقصد و هدف نهایی برای انسان روشن شود.
۳. سومین فلسفه هدف آفرینش رسدن به رحمت الهی است.
- از برخی آیات نیز چنین برمی آید که هدف از خلقت این بوده که رحمت الهی به موجودات برسد. آیه ۱۱۸ و ۱۱۹ سوره هود. همانگونه که در سوره ۱۱ معرفی شده است.
۴. چهارمین هدف فلسفه آفرینش شناخت خداوند است:
- بر اساس برخی روایات هدف خلقت ، تجلی حق و شناخت است. و امام حسین (ع) می فرماید بندگان را نیافرید، مگر برای اینکه او را بشناسند.
۵. پنجمین فلسفه هدف آفرینش پیغمبر و ائمه معصومین است:
- در برخی احادیث قدسی نیز هدف خلقت ، پیامبر اکرم و ائمه معصومین معرفی شده است، مانند حدیث بحارالانوار جلد ۱۶، صفحه ۴۰۶ فرمودند:
- "لولاک لما خلقت الافلاک" اگر تو نبودی ، همانا افلاک را نمی آفریدم.
- گفتنی است در امور دیگری نیز بعنوان هدف آفرینش یاد شده است، مانند سعادت ، کمال ، تکلیف ، بهشت و محبت. سعادت و بالاترین حد کمال برای انسان رسیدن به مرتبه قرب الهی است که قرآن از آن با واژه هایی چون (عند ربهم) و (عند ملیک مقتدر) و (عندک) و مانند اینها یاد می کند. عرفا از این مقام به (مقام فناء فی الله) یاد کرده ، آن را آخرین مرتبه سیرالی الله می دانند.
۶. ششمین هدف فلسفه آفرینش انسان کمال است. هدف اصلی خداوند از آفرینش هر موجود این است که بیشترین حد کمالی که می تواند برسد. خداوند موجودات را نه تنها می آفریند، بلکه آنها را در مسیر رسیدن به کمال نیز هدایت میکند. قرآن در سوره طه (۲۰) آیه ۵۰ می فرماید: پروردگار ما کسی است که هر چیزی را خلقتی که درخور اوست داده، سپس آن را هدایت فرموده است.
۷. هفتمین فلسفه آفرینش سعادت بشر است. سعادت و بالاترین حد کمال برای انسان رسیدن به مرتبه قرب الهی است که قرآن از آن با واژه هایی چون (عند ربهم) و (عند ملیک مقتدر) و (عندک) و مانند اینها یاد میکند. عرفا از این مقام به (مقام فناء فی الله) یاد کرده ، آن را آخرین مرتبه سیرالی الله می دانند. مانند ردیف (۵)

۸. هشتمین فلسفه آفرینش تکلیف الهی است. مانند : نماز ، روزه ، حج ، خمس ، زکات ، امر به معروف و نهی از منکر ، عبادت نیز از ابزارهای رسیدن به این مقام است. طاعات و عبادات سودی برای او ندارد فقط برای این است که به قله معرفت نزدیک شویم و شایسته رضوان او گردیم.
۹. نهمین فلسفه آفرینش بهشت است.
۱۰. دهمین فلسفه آفرینش و معنای زندگی است. یکی از مسائل انسان در دوران جدید و همراه با صنعتی شدن جوامع بشری و پیشرفت همه جانبه علم و فن آوری ، معنای زندگی است. بدین بیان که آیا زندگی واقعاً دارای معناست و ارزش زیستن را دارد؟ و هیچ گونه انکاری بویژه در جوامع بشری به ویژه در دنیای غرب ، پس از رنسانس و انقلاب علمی و صنعتی شتاب فزاینده ای داشته است. پوچ نگاری و ریشه یابی درونی و اجتماعی آن از جمله مسائلی است که در روانشناسی و جامعه شناسی مورد بررسی قرار می گیرد. جامعه شناسان و روانشناسان امور متعددی مانند رنج کشیدن ها ، ناکامی ها ، شکست ها و ناتوانی تفسیر آنها را از جمله عوامل پوچ گرایی می دانند. در این میان به نظر میرسد که مهم ترین عامل این معضل ، ضعف یا عدم ایمان دینی می باشد.

ما سعادت را همیشه بخاطر خودش بر می گزینیم یعنی چه؟ توضیح دهید.

۱. انسانها در تلاطم زندگی دائماً با تعارض مختلف خواسته ها مواجهند.
۲. باید از چند راهی که در مقابل شان قرار دارد تنها یکی را برگزینند- نه تنها در برنامه ها و اهداف کلان زندگی ، بلکه در مسائل جزئی نیز همواره چنین است.
۳. در میان تعارض خواسته ها آنها را با چه معیاری گزینش و انتخاب می کنیم.
۴. آیا اساساً برای این منظور ملاک و معیار واحدی حاکم است یا اینکه در هر شرایطی ملاکها در هر شرایطی معیارهایی ویژه وجود دارد.
۵. با اندکی تأمل و دقت متوجه خواهیم شد همه انتخابهای ما در نهایت یک ملاک و معیار اساسی باز میگردد.
۶. در واقع ما آن چیزی را که می گزینیم که به نظر خودمان برای ما نوعی کمال در پی دارد.
۷. قبل از هر گونه تصمیم و اقدامی یک حکم درونی نسبت به شایستگی فعل یا عدم آن وجود دارد.
۸. ملاک و معیار انسان در حکم و قضاوت و داوری به شایستگی فعل یا عدم آن سعادت و کمال است، به این معناکه از نگاه تصمیم گیرنده و فاعل فعلی مطلوبست که او را به نوعی به کمال برساند.
۹. بر پایه نظریه همه افعال و اهداف در زندگی، بر این اساس که ما را به سعادت و کمال نزدیک میکنند، انتخاب می شود.
۱۰. به تعبیر ارسطو همان عبارتی که در ابتدای درس نقل شد همه خواسته های انسان تبعی است ، بجز یک خواسته از همان سعادت است.
- مقصود از خواسته تبعی آن چیزی است که برای وصول به چیز دیگر میخواهیم اما سعادت را این میخواهیم که ذاتاً مطلوب و خواستنی است ، بی شک اغلب همه کارها و هدفهای برگزیده شده در راستای تحقق یک هدف مبنایی است که آنرا بعنوان سعادت و کمال خود برگزیده ایم.
۱۱. هر انسانی یک چیز را بعنوان سعادت پذیرفته است.
۱۲. تعیین سعادت نیز عوامل مختلفی از جمله چگونگی تفسیر زندگی و هستی بستگی دارد، بنابراین باید بدانیم سعادت واقعی چگونه شناخته می شود و آیا سعادت برای خود در نظر گرفته ایم ، واقعاً سعادت است ؟

راههای رسیدن به سعادت حقیقی و واقعی را نام ببرید؟

۱. ایمان به خداوند متعال و قادر: در آیات فراوانی نجات رستگاری انسان بستگی به ایمان دارد، همچنان خداوند قادر و متعال در سوره مؤمنون (سوره ۲۳ آیه ۱) فرموده است.
حضرت علی (ع) می‌فرماید با ایمان به قلعه سعادت دست می‌یابیم.
۲. عمل صالح: اغلب موارد در قرآن کریم عمل صالح در کنار ایمان ذکر شده است البته به همین عنوان عمل صالح آمده و یا مصادیق آن (۱- نماز ۲- روزه ۳- نیکوکاری ۴- رازداری....
۳. تهذیب نفس: که دو بخش تقسیم میشود. ۱- دل شستن از غیر خدا به گفته برخی از مفسرین، اگر بخواهیم کامل شویم چاره ای جز تهذیب روح نیست ۲- راه ندادن بیگانه به حریم دل نیز از تهذیب نفس می باشد.
۴. مراقبت از خود: ایت ا... حسن زاده آملی از استاد خود علامه طباطبائی نقل میکند، "تخم سعادت، مراقبت است"
۵. خلوت و محاسبه کردن: یکی از مشکلات انسان توجه دائم او به بیرون از خویشتن است، بنابراین زمانی را که در طول شبانه روز به خود اختصاص می‌دهد و به محاسبه اعمال گذشته اش می‌پردازد، یکی از ارکان مهم سعادت است.
۶. کم کردن دلبستگی‌های دنیوی: انسان سالک تا تعلقات خود را کم نکند و سبک نشود، نمی‌تواند به کوی حق سفر کند. چون تعلقات پای بند و مانع پردازند.
۷. طاعت و عبادت: مناجات و راز و نیاز با خداوند متعال از مهمترین روش های نزدیک شدن به رسیدن به سعادت و اوست.
۸. کسب معرفت و شناخت حقیقت: یکی از ارکان مهم سعادت شناخت حقیقت خود و عالم هستی است که در بحث های پیشین بدان اشاره شده است.

موانع وصول به سعادت را نام ببرید؟

۱. جهل و ناآگاهی
۲. معصیت به گناه
۳. توجه بیش از اندازه وابستگی به دنیا
۴. غفلت
۵. کفر و بی‌ایمانی نیز مهمترین موانع پیشروی انسان برای رسیدن به سعادت و کمال نهایی می باشد

با تشکر از جناب آقای محمد عابدی جهت جمع آوری و تایپ این مجموعه.

m.abedi1165@yahoo.com

ویراست: سید مهدی سید حجازی